

ندا سیجانی

حالا دیگر یادگیری و آموزش موسیقی چند سالی است که در سید فرهنگی خانواده‌های علاقه‌مند به هنر و بویژه موسیقی قرار گرفته است. این روزها کمتر خانواده‌ای را می‌بینیم که یک یا چند نفر از فرزندانشان در کلاس‌های موسیقی شرکت نداشته باشند؛ گویی حضور در چنین کلاس‌هایی در کنار آموزش‌هایی چون زبان انگلیسی، کلاس‌های ورزشی و... به یک ضرورت تبدیل شده است؛ اما آبا و ائوس‌های امروز تدریس موسیقی بدرستی و طبق استاندارد انجام می‌گیرد؟ انتخاب آموزشگاه و روش‌های تدریس آن بر چه اساس و معیاری است؟ دانشکده‌های هنر که به صورت آکادمیک آموزش موسیقی و سازهای کلاسیک ایرانی و کلاسیک غربی را بر عهده دارند چه میزان بر استانداردهای بین‌المللی و به روز بودن آن با موسیقی دنیا در ارتباط هستند و آیا به‌صورت جدی به این موضوع پرداخته می‌شود؟ حمید رضا دیبازر رئیس دانشکده موسیقی دانشگاه هنر معتقد است، کسی که به تحصیل در دانشگاه می‌اندیشد نگاه دیگری به رشته هنر دارد و به لحاظ حرفه‌ای تمرکز زندگی‌اش بر موسیقی است. اما کسی که آموزشگاه موسیقی را برای یادگیری انتخاب می‌کند موسیقی بخشی از زندگی‌اش است اما هدف همه آنها خدمت کردن به موسیقی است. یکی در حوزه موسیقی آکادمیک و دیگری در حوزه موسیقی عمومی. دیبازر آهنگساز، عضو هیأت علمی، بنیانگذار ارکستر و آکادمی فوژان چندین سال است که با برعهده گرفتن ریاست دانشکده موسیقی سعی در هرچه بهتر کردن آموزش موسیقی داشته است و تا به امروز هم توانسته بخوبی از عهده این وظیفه برآید. در ادامه گفت‌وگو می‌خوانید.

گفت‌وگوی «ایران» با حمید رضا دیبازر، رئیس دانشکده موسیقی دانشگاه هنر تهران:

فاصله ما با استانداردهای جهانی نجومی نیست

■ شما از جمله هنرمندانی هستید که تجربه موسیقی فیژون (تلفیقی) در اغلب آثارتان به چشم می‌خورد، سبکی موسیقایی که این روزها بازاریار خوبی دارد و به‌درست با غلط‌در حال طی کردن مسیر خود است. به‌عنوان یک فرد متخصص در این زمینه ابتدا تعریف‌تان را از موسیقی فیژون بگویید. در این مورد دو رویکرد را می‌شناسم؛ نخست میل به هم‌نشینی فرهنگی یا میل به ایجاد هم‌نشینی و گفت‌وگو بین دویا چند فرهنگ به‌وسیله‌سازها و موزیسین‌ها. به‌طور مثال هم‌نشینی یک موزیسین هندی در کنار یک موزیسین اروپایی علاوه بر اینکه یک کار فرهنگی است، دو اقلیم فرهنگی، دو میراث گوناگون و دو سابقه متفاوت موسیقایی را در کنار هم قرار می‌دهد. البته گاه اوقات این اتفاق هاتنها در حد یک هم‌نشینی است؛ یعنی امتزاج دورنی رخ نمی‌دهد؛ اما گهگاه بنابر شرایط، اعطاف و قابلیت‌های موزیسین‌ها یا کنجکاوی برای رسیدن به فضاهای جدید یک ترکیب بی‌ون رقم می‌زند. بخشی از این تمایل و رویکرد به تلفیق به خاطر فناوری است که در چند دهه اخیر امکان استفاده از سازهای گوناگون در استودیو و میکس کردن صداهایی از اقلیم‌های مختلف در یک کمپوزسیون را ایجاد کرده است. این تلفیق از سطحی آغاز می‌شود که صرفاً آثار هم‌قرار دادن و به‌نوعی کلاژ کردن است و الزاماً به ترکیب نوینی منجر نمی‌شود و تا آن‌جا در حرکت است که پدیده‌ها کنار هم قرار گیرند. به‌عنوان مثال، نسبت آب و سنگ؛ درواقع هیچ‌گاه سنگ در آب جوش حل نخواهد شد و آثار بسیاری که تحت عنوان تلفیقی وجود می‌آیند هیچ‌گاه آشتی درونی باهم پیدا نخواهند کرد؛ اما نسبت قند و آب به‌گونه‌ای دیگر است و زمانی که در کنار هم قرار می‌گیرند بعد از مدتی به چیزی دست می‌یابیم که نه آب است و نه قند و هم آب است و هم قند.

به عقیده من این نوع تفکر تلفیقی که در جست‌وجوی نوین‌ترین سبک‌ها به نتیجه نوین است نیاز به دانش بسیاری دارد و صرفاً باهم‌نشینی چند موزیسین فرضاً با استعداد را نخواهد داد.

■ با این تفسیر آثاری که امروز در قالب موسیقی تلفیقی تعریف می‌شود آب و قند است یا آب و سنگ؟

اگر منصف باشیم از هر دو نمونه وجود دارد؛ به‌خصوص در این دو دهه اخیر.

■ آیا ضرورتی دارد این سبک موسیقی به‌صورت تخصصی در دانشگاه‌ها تدریس شود؟

بله. افرادی هستند که با تحصیلات دانشگاهی و تخصص در این حوزه، تمایل به برگزاری چنین دوره‌هایی دارند. مثلاً در قالب مستر کلاس‌ها.

■ چرا در یک مستر کلاس به‌صورت جدی به این موضوع نمی‌پردازید؟

گاهی اوقات بهترین راه نقد کردن، عمل کردن است؛ بنابراین به‌جای آنکه شعار بدهیم و نقد کنیم کاری را انجام می‌دهم که از نظر خودم صحیح است. به‌عنوان مثال آلبوم‌هایی که تا به امروز منتشر کرده‌ام از نظر من دارای پیشینه فرهنگی است و با دانش، تخصص، کنجکاوی، تحلیـل، تحقیق و پژوهش موزیسین‌هایی از مناطق مختلف شهر را دعوت کرد و یافته‌هایی از آنها را ضبط و با سازهای الکترونیک میکس کرد و به

یک ساختار جدید صوتی دست یافت و این یکی از ریشه‌های اصلی چیزی است که امروزه فراوان به کار می‌رود.

■ اما سوال من این است که تقاضاها بیشتر از سوی کشور ما بوده است. از منظر شما غربی‌ها چه نگاهی به موسیقی ایرانی دارند؟

به این سبک که ما در خود کمبودهایی را احساس می‌کنیم. بسیاری از موزیسین‌های ما تا زمانی که در کشورشان موفق عمل می‌کنند و بهترین سالن‌های شهر را به اجراهایشان اختصاص می‌دهند کسی نمی‌گوید دست در دزد کنند، اما به محض آنکه خارج از کشور و در یک مکان نامشخص کنسرتی برگزار می‌کنند می‌گویند در خارج اجرا داشته است؛ حالا کجا مشخص نیست؛ زمانی که بازمی‌گردیم هم خودشان بر این باورند که کار مهم‌تری انجام داده‌اند و هم اطرافیان؛ این خود یک کمبود است اما

در خارج از ایران، اجرا در چنین فضاهایی هیچ اهمیتی ندارد. هنرمندان غیر ایرانی با حضور در کشور ما معنا پیدا نمی‌کنند و معنای خود را در محیط خوششان پیدا کرده‌اند، صنعت موسیقی‌شان به بهترین و بالنده‌ترین شکل در حال مختلف‌شیریت در تهدید است می‌سازند. دنبال بهانه‌های مختلف برای جنگیدن و جدا کردن خودمان از دیگران هستیم. سلاح‌های جنگی هرروز پیشرفته‌تر می‌شوند و عموماً این سلاح‌ها در دستان افرادی است که نشان داده‌اند انسانیت و تداوم انسانیت دغدغه‌شان نیست. واقعیت این است که این تهدید هرروز جدی‌تر شده و اگر قرار باشد جنگی جهانی درگیرند به یک باره رخ خواهد داد؛ و این بار قطعاً با دیگر جنگ‌های جهانی بسیار متفاوت خواهد بود. با پیشرفت‌های وحشتناک فناوری در حوزه جنگ‌افزارها و تهدیدی که شاید در یک سانیتیمتری ماست، درحالی‌که فکر می‌کنیم هرگز چنین نخواهد شد. آنچه می‌تواند از چنین فاجعه‌ای جلوگیری کند پذیرش حق فرهنگ‌های گوناگون است؛ اینکه تفاوت‌ها را هر چند ناخوشایند باور کنیم، همدیگر را ببپذیریم، تحمل کنیم و نخواهیم همه مثل ما فکر کنند (نه در شعار که در عمل)؛ و دیگر اینکه اساساً آمینهای ایجاد شود که راه‌حلی برای حیات مسالمت‌آمیز گوناگونی‌ها در کنار هم پیدا کنیم.

■ با این تفاسیر عدم توجه و کم‌لطفی مسئولان فرهنگی نیز در این کمبود دیده نشدن بی تأثیر نبوده است.

به هر حال عشق و علاقه خارج از کشور می‌شوند و عموماً این سلاح‌ها در دستان افرادی است که نشان داده‌اند انسانیت و تداوم انسانیت دغدغه‌شان نیست. واقعیت این است که این تهدید هرروز جدی‌تر شده و اگر قرار باشد جنگی جهانی درگیرند به یک باره رخ خواهد داد؛ و این بار قطعاً با دیگر جنگ‌های جهانی بسیار متفاوت خواهد بود. با پیشرفت‌های وحشتناک فناوری در حوزه جنگ‌افزارها و تهدیدی که شاید در یک سانیتیمتری ماست، درحالی‌که فکر می‌کنیم هرگز چنین نخواهد شد. آنچه می‌تواند از چنین فاجعه‌ای جلوگیری کند پذیرش حق فرهنگ‌های گوناگون است؛ اینکه تفاوت‌ها را هر چند ناخوشایند باور کنیم، همدیگر را ببپذیریم، تحمل کنیم و نخواهیم همه مثل ما فکر کنند (نه در شعار که در عمل)؛ و دیگر اینکه اساساً آمینهای ایجاد شود که راه‌حلی برای حیات مسالمت‌آمیز گوناگونی‌ها در کنار هم پیدا کنیم.

■ چرا این باور و نگرانی تنها باید از سوی ما شکل‌گیرد؟

حتی از سوی ما نیز چندان شکل نگرفته است. شاید تنها تعداد معدودی به این می‌اندیشند و یک اتفاق ملی و جهانی نیست. در فرهنگ‌های مختلف کم‌وبیش هستند افرادی که چنین رویکردی دارند و به استاد رویکردشان اینگونه در هنرشان عمل می‌کنند و یک فعالیت جمعی نیست.

■ خارج از مسأله صلح جهانی بیشتر اتفاق‌های موسیقایی چون تلفیق سازهای ایرانی با سازهای غربی اغلب به دعوت هنرمندان ایرانی بوده است.

این اتفاق برای نخستین بار در انگلستان و در موسیقی فیلم «آخرین سوسه مسیح» ساخته پیتز کاربیرل موزیسین برجسته انگلیسی صورت گرفته است. این هنرمند با تجربه گسترده موزیسین‌هایی از مناطق مختلف شهر را دعوت کرد و یافته‌هایی از آنها را ضبط و با سازهای الکترونیک میکس کرد و به



نکس رضا هفتاریان-ایران

در این باره چیست؟

ما در دوره‌گذار قرار داریم. در این دوره از یک‌سو تعداد فارغ‌التحصیلان افزایش پیدا کرده که این خود منجر به رفع کمبود نیروی متخصص خواهد شد و از سویی دیگر، به دوستانی که بنا به دلایلی سال‌ها در آموزشگاه‌ها مشغول به کار بوده‌اند و زحمت‌کشیده‌اند و امکان تحصیل تخصصی را نداشته‌اند کمک کنیم تا بتوانند با حسن نیت نواقص و کمبودهای تخصصی‌شان را مرتفع کنند. از طرف دیگر از علاقه‌مندان هم انتظار داشته باشیم که در انتخاب استاد متخصص همان‌طور که مثلاً برای درمان در بین پزشکان متخصص جست‌وجو می‌کنیم و بهتر را انتخاب می‌کنیم حساسیت و دقت لازم را داشته باشند که البته به‌تدریج این اتفاق خواهد افتاد.

■ سال گذشته برای نخستین بار جشنواره دانشجویی «صبا» را راه‌اندازی کردید؛ یکی از اهداف این جشنواره رفع خلاهای آموزش آکادمیک موسیقی و ایجاد بستری مناسب در جهت شکل‌دهی فرهنگ موسیقی آکادمیک کشور است. با وجود مسئولیت شما در دانشکده موسیقی چه ضعف‌هایی در بخش آکادمیک موسیقی ما وجود دارد

دولتمند خالف همکاری داشته باشید؟

آن صدای خاصی که به دنبال آن بودید در هنرمندان ایران یافت نمی‌شد؟

در همان ابتدای کار به پیش از آنکه دولتمند خالف این قطعات را بخواند، وقتی این اثر را می‌ساختم می‌دانستم که این ترک‌ها با انتشار نمی‌یابد یا اینکه اگر انتشار یابد باید با صدای دولتمند باشد.

چنین ذهنیتی باز هم نسبت به آثار منتشرشده شما وجود دارد؟

بله اما تصمیم ندارم در موردش صحبت کنم. کار بعدی‌ام جریانات خاص خودش را دارد.

■ جلد اول کتاب روش نویس فراگیری جامع موسیقی (هیچ وقت در نیست) به‌تازگی منتشر شده است در خصوص این کتاب و کاربرد آن توضیح می‌دهید؟

در کتاب «هیچ وقت در نیست» به انتقاداتی که سال‌های بسیار مدرسین و اهل موسیقی نسبت به آموزش موسیقی داشته‌اند پرداخته شده است. از جمله نداشتن برنامه مشخص آموزشی، به‌طور مثال نزدیک به صدسال از قدمت موسیقی کلاسیک در ایران می‌گذرد، اما تا به امروز برنامه مدونی برای آموزش آن وجود نداشته است. به تعلیمی با سبک و

سباق خود تلاش می‌کند موسیقی را انتقال دهد. بخش دیگر تمرین و بهداشت در نوازندگی است. نزدیک به ۱۰ سال است که روی این کتاب کار می‌کنم. این کتاب بر اساس نیازهای موسیقایی کشورمان طراحی شده و آن را آموزش می‌دهد. توصیه می‌کنم پیشگفتار و مقدمه کتاب را که ایده مؤلف را بیان می‌کند مطالعه کنید.

■ ارزیابی شما از آلبوم‌های موسیقی و کنسرت‌هایی که برگزار می‌شود چیست؟

جای امیدواری است که جست‌وجو برای کشف کیفیت چه در حوزه آموزش و چه دریافت آثار هنری بیشتر شده است.

■ شما تجربه‌ای هم در رهبری ارکسترها داشته‌اید. اوضاع ارکسترهای ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا ضرورت دارد نوازنده‌های ارکستر آموزش تخصصی ببینند؟

هنر و آموزش آن مثل جاده‌ای بی‌انتهاست که باید در آن حرکت کرد، اما همین‌که برای خودمان سقفی تعیین کنیم آنجا لحظه مرگ هنری برای من مهم نیست کار با کلام باشد یا بی‌کلام، سازهای ایرانی به‌کار رفته باشد یا نه و... قرار است پیامی ارسال شود و اگر خالق اثر تخصص گسترده و سبیطی در این‌باره داشته باشد، متناسب با پیامی که ارسال می‌شود اپز صوتی، بیتی و نوع موسیقی از حوزه‌های مختلف را به کار می‌گیرد. من موسیقی را،ک، الکترونیک، کلاسیک، معاصر و... را به‌خوبی می‌شناسم و به‌عنوان یک موزیسین مطلع متناسب با پیامی که می‌خواهم ارسال کنم، نوع موسیقی و سازبندی مشخص می‌شود. در این بخش به‌طور طبیعی کلام هم کمک می‌کند؛ البته وقتی قرار است وارد حوزه‌های کلام شویم اینکه چه حنجره‌ای قابلیت لازم را دارد بسیار اهمیت پیدا می‌کند؛ حنجره‌های آلوده برای پیام‌های انسانی مناسب نیستند. البته لازم به ذکر است تنها صدای خوب اولویت ندارد، بلکه شخصیت، کاراکتر و باورهای واقعی آن شخص نیز بسیار مهم است. ترک اول، دوم و آخر آلبوم «ازما» پیام بسیار کلان انسانی را فارغ از مرزها و مکان‌ها با صدای «دولتمند خالف» و

«خوشبختانه امروز در رشته موسیقی سازهای کلاسیک غربی، سازهای ایرانی و حوزه آهنگسازی، در دانشکده موسیقی تدریس می‌شود و علاوه بر آن رشته اتنوموزیکولوژی هم به‌تازگی فعال شده است. در حقیقت بحث موسیقی نظامی کمک کرد به استاد آن بتوانیم رشته‌های موجود را راه‌اندازی کنیم و گسترش بدهیم

نظر شما این پدیده مثبت است؟

چون خستگاه و عملکردشان متفاوت است پیشی گرفتن هم معنا ندارد. نوع برخورد‌ها متفاوت است. کسی که به تحصیل در دانشگاه می‌اندیشد نگاه دیگری به این رشته دارد و به لحاظ حرفه‌ای تمرکز زندگی‌اش بر موسیقی است، اما کسی که آموزشگاه موسیقی را برای یادگیری انتخاب می‌کند موسیقی بخشی از زندگی‌اش است. البته نسل جدیدی از هنرجویان هستند که برای آمادگی در دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها آغاز می‌کنند. آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها در دو حوزه کاملاً متفاوت کار می‌کنند، اما هدف همه آنها خدمت کردن به موسیقی است. یکی در حوزه موسیقی آکادمیک و دیگری در حوزه موسیقی عمومی. کمبود نیروی متخصص در آموزشگاه‌ها یکی از معضل‌های این زمینه است که امیدواریم با توجه به راه رفتن تعداد فارغ‌التحصیلان، این مشکل به‌تدریج برطرف شود. لازم به ذکر است هر فردی نمی‌تواند در دانشگاه‌ها تدریس کند و باید مراتب و مدارجی را طی کرده باشد؛ امکان دارد کسانی در آموزشگاه‌ها زحمت بکشند

بستر سازی در فضاهای آموزشی

بستر سازی نگرش‌های هنری و فرهنگی موسیقی باید در دانشگاه‌ها انجام گیرد. نگرش‌های بسیار ارزشمند و متفکر مبتنی بر تصدیق سنت‌ها و مبتنی بر مقایسه سبک‌ها مختلف بر پارامترهای نظری، فکری و هنری است که موسیقی‌های متفاوت را شکل می‌دهد. دانشجویان ما باید در نظام دانشگاهی بیاموزند که نوازنده شدن و آهنگساز بودن مبتنی بر چه تعهدات، پشتوانه و چه مطالعات اندیشه‌مندان‌ای انجام می‌گیرد؛ چه تبادل نظرهای متفکرانه و اندیشمندی می‌تواند ذهن هنرمند را به خلاقیت مبتنی بر تفکر اصول و ریشه‌های فکری و شخصیتی او شکل بدهد. اگر ه موسیقی دانشگاه تهران در طول سال‌های اخیر همیشه در این تلاش و تفکر بوده که شاید بتواند با پایبندی سخفخانه و سرسختانه اصولی را به دانشجو بیاموزد که دست یافتن به آن آسانی انجام نمی‌گیرد. این دانشجویان در ورشته نوازندگی موسیقی ایرانی و موسیقی کلاسیک تحصیل می‌کنند و استادان هیأت علمی گروه موسیقی دانشگاه تهران طی سال‌های اخیر در حوزه موسیقی‌های کلاسیک غرب، موسیقی سنتی- ایرانی و بومی تلاش کرده که بر مبنای نظری، فرهنگی و اندیشه تغییر‌گذاری‌های فرهنگی این رشته را به دانشجویان بفهماند و بیاموزد. تلاش ما بر این است از طریق یک تلفیق صحیح بین کلاس‌های نظری و کلاس‌های عملی و یک تعادل صحیح عمل‌گرا و نوازنده‌گر بودن و همچنین از طرفی دیگر بنیادهای نظری، تئوریک و فرهنگی، تاریخ و سبک‌شناسانه را به دوستان منتقل کنیم تا آن‌ها، الله بتوانیم در ذهنیت و عملکرد دانشجویان به یک تعادل دست یابیم. می‌دانم امیدوارم این تلاش موسیقی در سال‌های آینده به ثمر خواهد نشست.

این موضوع بسیار ارزشمند هم هست؛ اما توانایی تدریس در دانشگاه‌ها را ندارد و با لطف همه کسانی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌کنند توانایی آموزش در آموزشگاه‌ها را به بهترین شکل ممکن خواهند داشت.

■ برای تدریس موسیقی کلاسیک غرب امکان بهره‌بردن از استادان خارج از کشور وجود دارد؟

بله. در موسیقی کلاسیک غربی استادان شاخصی حضور دارند اما بحث قانون کار و مجوز کار غیر ایرانی‌ها در ایران هم وجود دارد. مضاف بر اینکه در کشور ما مدرسین خوبی در این زمینه فعال هستند و تا به امروز کسی را ندیده‌ایم که علاقه‌مند به یادگیری موسیقی کلاسیک غربی بوده باشد، اما متخصص درجه یک تدریس آن سازوچود نداشته باشد.

■ بسیاری از هنرجویان موسیقی بر این موضوع نقد دارند به وجود می‌آورند، اما متأسفانه یا بسیار سطحی آموزش می‌دهند یا شاید تنها به دنبال رفع مسئولیت باشند. نظر شما



آدین مود مدیر گروه موسیقی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران

یادداشت